

## پشت پرده احضار نتانیاهو از سوی ترامپ

بسیاری از خبرگزاری‌ها سفر نتانیاهو به آمریکا را نوعی احضار از سوی ترامپ ارزیابی کردند؛ در همین راستا ترامپ طی دیدار با نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی اعلام کرد که در حال توافق با ایران هستیم. این مطلب به این معنا است که آمریکایی‌ها، خواستار تغییراتی هرچند محدود در رویکرد نتانیاهو نه در ارتباط با ایران بلکه درباره تحولات غزه هستند.

ارزیابی‌ها این‌بود که این‌سفر عمدتاً با هدف هماهنگ‌سازی نتانیاهو با ترامپ انجام شد و نه ترامپ با نتانیاهو؛ بنابراین برخی رسانه‌های نزدیک به نتانیاهو تلاش کردند تا این دیدار را به موضوع تعرفه‌ها و تعدیل‌های تجاری مرتبط کنند و ادعا داشتند که آمریکا توافق کرده برخی تعرفه‌های مربوط به کالاهای مرتبط با اسرائیل را کاهش دهد. با این حال، ترامپ در همین گفت‌وگو اعلام کرد: «ما سالانه ۱۰ میلیارد دلار به اسرائیل کمک می‌کنیم.» بنابراین، هدف اصلی این دیدار، هماهنگ‌سازی نتانیاهو در پرونده غزه با ترامپ بود.

این موضوع یکی از محورهای اصلی مباحث آنها به‌شمار می‌رفت. فارغ از این دیدار، موضوع دیگر این است که طی هفته‌های اخیر که شاهد حملات دوباره رژیم صهیونیستی به غزه بودیم، یک بار دیگر ثابت شد که توافق با آمریکا و رژیم صهیونیستی بی‌معناست و هیچ عاقبت روشنی ندارد. توافق آتش‌بس غزه که نزدیک به یک سال روی آن کار شده بود، مورد توافق طرف‌های مختلف، شامل آمریکایی‌ها، اسرائیلی‌ها، فلسطینی‌ها و دولت‌های عربی قرار گرفته بود. این یک توافق جامع بین‌المللی بود که به اجرا درآمد اما طرفی که همواره بر مبنای منافع خود حرکت کرده و هیچ قاعده حقوقی یا سیاسی را برای رفتار خود در نظر نمی‌گیرد، پس از پایان مرحله اول توافق اقدام به ازسرگیری حملات خود کرد در حالی‌که این توافق سه‌مرحله‌ای بود و باید تا پایان ادامه پیدا می‌کرد.

بنابراین می‌توان این اقدام را ضربه‌ای به ساختارهای حقوقی و تلاش‌های حقوقی دانست. این خسارتی جهانی است که جبران‌پذیر هم نیست. نکته دوم این است که با وجود مخالف‌های زیادی با اقدامات اسرائیل در غزه، هیچ نوع اقدام عملی از سوی دولت‌های اروپایی یا سازمان‌های حقوقی بین‌المللی برای مهار اسرائیل مشاهده نمی‌شود. از سوی دیگر علی‌رغم رای دیوان لاهه و در متن این جنایات، نتانیاهو از مجارستان دیدار می‌کند و به این ترتیب، نهنتهای اروپا برای مهار اسرائیل اقدامی انجام نداده بلکه با آن نیز همراهی می‌کند که همین دلیل اصلی تداوم جنایات رژیم صهیونیستی است. از سوی دیگر مقاومت، به‌صورت واقعی ادامه دارد و متوجه است که با روش‌های سیاسی نمی‌توان دشمن را از تجاوز خود پنشیمان ساخت و به همین دلیل، راه مقاومت را انتخاب کرده‌ایم.

منطقه ما می‌داند این تجاوزات و نقض قوانین، محدود به فلسطینیان نمی‌شود و منجر به‌گسترش تجاوزات به کشورهای پیرامون نیز می‌گردد. کما این‌که همزمان شاهد تجاوز اسرائیل به غزه لبنان، سوریه و یمن نیز هستیم. این نشان می‌دهد که اگر این تجاوزات متوقف نشود، امنیت جهانی و به‌ویژه امنیت مسلمانان به مخاطره خواهد افتاد.

بنابراین مسیر مقاومت راهی جز ادامه مسیر فعلی ندارد، اگر چه هزینه‌های قابل‌توجهی را به دنبال داشته باشد اما درمجموع و درنهایت، راهی جز مقاومت در شرایط کنونی وجود ندارد. ایستادن در برابر روند ظالمانه نه فقط مشروع بلکه موفقیت‌آمیز نیز هست. مسیر فعلی راهی است که اسرائیل و آمریکا پیش پای دولت‌ها گذاشته‌اند؛ چراکه وقتی همه‌چیز را نقض می‌کنند، راهی جز مقاومت باقی نمی‌ماند.

سیاست‌های تجاوزکارانه، منجر به‌گسترش بیشتر مقاومت و تاکید بر روش‌های آن خواهد شد. نتانیاهو در سفر اخیر خود به مجارستان گفت‌که ما به نمایندگی از اروپا و در جهت دفاع از امنیت‌شان می‌جنگیم؛ این بیان یک بار دیگر اعتراف به واقعیت نیابتی بودن رژیم صهیونیستی است. رهبر انقلاب هم با تکیه بر مسیر ۱۰۰ سال اخیر اسرائیل و تأسیس این رژیم به‌طور مستند و با تکیه بر اسناد فرمودند تنها نیروی نیابتی در منطقه، اسرائیل است.



گزارش «جام‌جم» از نسل‌کشی رژیم صهیونیستی در غزه

# کودکانی که به دنیا نیامده شهید شدند

فلج اطفال در غزه را نابود کند و به پیامدهای جدی و فاجعه‌بار برای نظام سلامت شکننده این منطقه منجر شود. چندماه بعد از آغاز نسل‌کشی در غزه، با فشارهای بین‌المللی و بعد از ابتلای چند کودک به فلج اطفال بعد از بیش از ۲۰ سال در غزه، واکسیناسیون محدودی علیه این بیماری در غزه آغاز شد. دو مرحله واکسیناسیون در سپتامبر و اکتبر ۲۰۲۴ برگزار شد که طی آن بیش از ۹۵ درصد از کودکان هدف، دو دوز واکسن خوراکی فلج اطفال را دریافت کردند. با این حال، نمونه‌برداری‌های محیطی در این نقطه در دسامبر ۲۰۲۴ و ژانویه ۲۰۲۵ نشان داد که ویروس فلج اطفال همچنان در حال گردش است.

در ۱۸ مارس، رژیم صهیونیستی به‌طور یک‌جانبه حملات هوایی خود را از سرگرفت و آتش‌بس با حماس را که از ژانویه

**به گزارش دفتر رسانه‌ای دولت در غزه، نظامیان صهیونیست تنها در عرض ۳۰ روز ۴۹۰ کودک را به شهادت رسانده‌اند این موضوع شمار کل شهودا را از زمان پایان آتش‌بس در ۱۸ مارس به ۱۳۵۰ نفر رسانده است**

که این اقدام ممکن است تمام تلاش‌های صورت‌گرفته در هفت‌ماه گذشته برای اجرای برنامه واکسیناسیون

۱۸ ماه است که صهیونیست‌ها در غزه مشغول نسل‌کشی و پاکسازی قومی هستند. جنگی که بیشترین نتیجه‌اش شده کشتار زنان و کودکان غزه. نوزادانی که حتی نتوانستند اولین سال تولدشان را جشن بگیرند یا کودکان و نوجوانانی که نتوانستند دوباره به مدرسه بروند و آرزوهایشان را زندگی کنند. در روز پنجم آوریل، به‌مناسبت «روز جهانی کودک فلسطینی»، وزارت آموزش و پرورش فلسطین اعلام کرد که کودکان از قربانیان اصلی تجاوزات اسرائیل هستند و بیش از ۱۷ هزار کودک از اکتبر ۲۰۲۳ تاکنون در غزه شهید شده‌اند. از این تعداد ۱۵ هزار و ۶۰۰ نفر شناسایی شده‌اند. بسیاری دیگر همچنان زیر آوار مدفون هستند و مرگ آنها حتمی فرض می‌شود. این وزارتخانه افزود: «این رقم عمق فاجعه‌ای را که کودکان تجربه می‌کنند نشان می‌دهد؛ هر عدد نمادی از یک زندگی، خاطرات و تجربیاتی است که از بین رفته‌اند.» رژیم صهیونیستی هر ۴۵ دقیقه در غزه یک کودک را به شهادت می‌رساند و این یعنی به‌طور میانگین، روزانه

**مانده زمان قشمی گروه بین‌الملل**

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در «روز آزادی» بالاخره سیاست اقتصادی مدنظر خود را در سطح بین‌الملل رونمایی کرد؛ نتیجه از چیزی که کارشناسان انتظار داشتند بدتر بود. مجموعه‌ای از تعرفه‌هایی با اعداد بسیار بالا را بر اعضای برجسته ساختار اقتصادی نظام جهانی اعمال کرد. تعداد قابل‌توجهی از کشورهای مورد تهاجم تعرفه‌ای کاخ سفید از متحدین راهبردی آمریکا طی هفت دهه گذشته نظیر اتحادیه اروپا محسوب می‌شوند که ترامپ بدون هیچ تخفیفی شلاق تعرفه‌ای خود را به جان آنها انداخته است. رئیس‌جمهور آمریکا بر تمامی کالاهای وارداتی ۱۰ درصد تعرفه وضع کرد اما برای رقبای اقتصادی، ارقام تعرفه‌ای بالاتری را مدنظر داشت به‌گونه‌ای که اتحادیه اروپا ۲۰ درصد، هند ۲۷ درصد، ژاپن ۲۴ درصد، ویتنام ۴۶ درصد و چین ۳۴ درصد عوارض گمرکی از سوی آمریکا مواجه شدند.

به گزارش گاردین، تعرفه ۳۴ درصدی که بر واردات از چین اعمال شد علاوه بر تعرفه ۲۰ درصدی قبلی بود؛ پکن با وضع تعرفه‌ای متقابل ۳۴ درصدی بر تمام کالاهای وارداتی از آمریکا پاسخ داد. این اقدام موجب شد تا ترامپ روز دوشنبه تهدید کند که در صورت عدم عقب‌نشینی چین، تعرفه اضافی ۵۰ درصدی بر کالاهای چینی اعمال خواهد کرد.

ترامپ در پلتفرم «تروث سوشال» نوشت: «اگر چین تا فردا، ۸ آوریل ۲۰۲۵، افزایش ۳۴ درصدی تعرفه‌ها را علاوه بر سوءاستفاده‌های طولانی‌مدت تجاری خود لغو نکند، آمریکا از ۹ آوریل تعرفه‌های اضافی ۵۰ درصدی علیه چین اعمال خواهد کرد. علاوه بر این، تمام مذاکرات با چین در مورد درخواست‌های‌شان برای دیدار با ما متوقف خواهد شد.» ساعاتی پس از این اولتیماتوم کاخ سفید اعلام کرد که دونالد ترامپ تعرفه‌های واردات بر کالاهای چینی را به ۱۰۴ درصد افزایش داد.

در همین راستا، یک سرمقاله تند در خبرگزاری رسمی چین «شینهو» ترامپ را به «اخاذی آشکار» متهم کرد. به نقل از شانون ک. اونیل و جولیا هیوسا کارشناسان شورای سیاست خارجی (CFR)، چین نسبتاً وابستگی کمتری به آمریکا دارد و به‌طور کلی کمتر به تجارت متکی است. طی دو دهه گذشته، این کشور به‌تدریج از اهمیت تجارت در اقتصاد خود کاسته است. زیرا پکن تولید داخلی را افزایش داده؛ واردات و صادرات تنها حدود ۳۷ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) چین را تشکیل



سید رضا حسینی گروه بین‌الملل

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در «روز آزادی» بالاخره سیاست اقتصادی مدنظر خود را در سطح بین‌الملل رونمایی کرد؛ نتیجه از چیزی که کارشناسان انتظار داشتند بدتر بود. مجموعه‌ای از تعرفه‌هایی با اعداد بسیار بالا را بر اعضای برجسته ساختار اقتصادی نظام جهانی اعمال کرد. تعداد قابل‌توجهی از کشورهای مورد تهاجم تعرفه‌ای کاخ سفید از متحدین راهبردی آمریکا طی هفت دهه گذشته نظیر اتحادیه اروپا محسوب می‌شوند که ترامپ بدون هیچ تخفیفی شلاق تعرفه‌ای خود را به جان آنها انداخته است. رئیس‌جمهور آمریکا بر تمامی کالاهای وارداتی ۱۰ درصد تعرفه وضع کرد اما برای رقبای اقتصادی، ارقام تعرفه‌ای بالاتری را مدنظر داشت به‌گونه‌ای که اتحادیه اروپا ۲۰ درصد، هند ۲۷ درصد، ژاپن ۲۴ درصد، ویتنام ۴۶ درصد و چین ۳۴ درصد عوارض گمرکی از سوی آمریکا مواجه شدند.

به گزارش گاردین، تعرفه ۳۴ درصدی که بر واردات از چین اعمال شد علاوه بر تعرفه ۲۰ درصدی قبلی بود؛ پکن با وضع تعرفه‌ای متقابل ۳۴ درصدی بر تمام کالاهای وارداتی از آمریکا پاسخ داد. این اقدام موجب شد تا ترامپ روز دوشنبه تهدید کند که در صورت عدم عقب‌نشینی چین، تعرفه اضافی ۵۰ درصدی بر کالاهای چینی اعمال خواهد کرد.

ترامپ در پلتفرم «تروث سوشال» نوشت: «اگر چین تا فردا، ۸ آوریل ۲۰۲۵، افزایش ۳۴ درصدی تعرفه‌ها را علاوه بر سوءاستفاده‌های طولانی‌مدت تجاری خود لغو نکند، آمریکا از ۹ آوریل تعرفه‌های اضافی ۵۰ درصدی علیه چین اعمال خواهد کرد. علاوه بر این، تمام مذاکرات با چین در مورد درخواست‌های‌شان برای دیدار با ما متوقف خواهد شد.» ساعاتی پس از این اولتیماتوم کاخ سفید اعلام کرد که دونالد ترامپ تعرفه‌های واردات بر کالاهای چینی را به ۱۰۴ درصد افزایش داد.

در همین راستا، یک سرمقاله تند در خبرگزاری رسمی چین «شینهو» ترامپ را به «اخاذی آشکار» متهم کرد.

به نقل از شانون ک. اونیل و جولیا هیوسا کارشناسان شورای سیاست خارجی (CFR)، چین نسبتاً وابستگی کمتری به آمریکا دارد و به‌طور کلی کمتر به تجارت متکی است. طی دو دهه گذشته، این کشور به‌تدریج از اهمیت تجارت در اقتصاد خود کاسته است. زیرا پکن تولید داخلی را افزایش داده؛ واردات و صادرات تنها حدود ۳۷ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) چین را تشکیل

### ترامپ تعرفه ۱۰۴ درصدی علیه پکن اعمال کرد

# اوج گیری مصاف ازدها و عقاب



بودجه یک تریلیون دلاری نظامی، محتمل است که هزینه‌های اضافی قوای رزمی آمریکا از تعرفه‌ها و موافقت‌نامه‌های تجاری مطلوب کاخ سفید (همانند تجارت استعماری مادربد با سرزمین سرخپوستان) تأمین خواهد شد.

### مدل اقتصادی چین

جمهوری خلق چین از دهه ۱۹۷۰ تحت رهبری دنگ شیائوپینگ مدل اقتصادی اشتراکی را کنار گذاشت و بر حسب مزیت نسبی در کارگر و منابع به سمت مدل اقتصادی مبتنی بر صادرات حرکت کرد. براساس این نظریه، برخی کشورها برای تولید کالاهای خاصی مناسب‌تر از دیگران هستند و تخصص یابی و مبادله امکان تخصیص کارآمدتر

صنایع نوپا و راهبردی برای حفظ رشد اقتصادی مطلوب توسط کارشناسان اقتصاد سیاسی بین‌الملل همواره توصیه شده اما اعمال تعرفه بر تمام کالاهای ظرفیت رکود اقتصادی، کاهش رقابت‌پذیری صنایع داخلی و کاهش قدرت خرید را افزایش می‌دهد.

نکته حائز اهمیت در مکرانتیلیسم آن است که دولت از طریق مالیات و تجارت با تراز تجاری مثبت بر تقویت قوای نظامی سرمایه‌گذاری کند تا امیال توسعه‌طلبانه ملی را پیگیری کند؛ نماد تاریخی چنین دولتی، امپراتوری اسپانیا در قرون ۱۵ تا ۱۷ در نظر گرفته می‌شود که با غارت و استثمار آمریکای لاتین برای جنگ در اروپا صفوف نظامی خویش را تأمین می‌کرد؛ با توجه به تمایل ترامپ به تصویب

می‌دهد، در حالی که این رقم در اوایل دهه ۲۰۰۰ بیش از ۶۰ درصد بود.

### منطق سیاست ترامپ

رئیس‌جمهور آمریکا تحت تأثیر مکتب «نئومرکانتیلیسم» اقتصادی به دنبال استفاده از اهرم تعرفه‌ها برای ابتدا کاهش تراز منفی تجاری کشور در مقابل دیگر رقبای همچنین تقویت بنیه صنایع تولیدی داخلی اعم از بنگاه‌های تجاری راهبردی (کالا و خدمات با فناوری بالا) است. ترامپ امیدوار است که افزایش هزینه تولید کالاهای در خارج از آمریکا به واسطه عوارض گمرکی به انتقال کارخانه‌های شرکت‌های چندملیتی از جنوب شرق آسیا به آمریکا منجر شود. حمایت از

### مکتب

### سیاست تجاری به مثابه میدان نبرد سیاسی

جفری جنگینز و جرد روبین در کتاب «اقتصاد سیاسی تاریخی»، ابزار اصلی سیاست تجاری را تعرفه واردات ارزیابی می‌کنند؛ تعرفه‌ای که مالیاتی بر کالاهای خارجی هنگام ورود به یک کشور محسوب می‌شود. این مالیات باعث افزایش قیمت کالاهای خارجی در بازار داخلی شده و میزان واردات را کاهش می‌دهد. تأثیر اقتصادی تعرفه رامی‌توان به دوروش مختلف بررسی کرد. روش اول تأثیر تعرفه بر یک کالای خاص در یک بازار خاص را بررسی می‌کند (تبادل جزئی) و به اثر آن بر تولیدکنندگان داخلی، مصرف‌کنندگان داخلی و دولت می‌پردازد. تولیدکنندگان داخلی کالاهایی که با واردات رقابت می‌کنند، از افزایش قیمت سود می‌برند و تولید خود را افزایش

برقرار بود، شکست؛ حمله‌ای که موجب شهادت بیش از ۱۷۰ کودک در یک شب شد.

به گزارش دفتر رسانه‌ای دولت در غزه، نظامیان صهیونیست تنها در عرض ۲۰ روز، ۴۹۰ کودک را به شهادت رسانده‌اند. این موضوع شمار کل شهدا را از زمان پایان آتش‌بس در ۱۸ مارس، به ۱۳۵۰ نفر رسانده است.

موضوع دیگری که کودکان غزه را هدف قرار داده، محرومیت آنها از دریافت کمک‌های حیاتی است. از دوم مارس ۲۰۲۵ تاکنون، هیچ کمکی اجازه ورود به نوار غزه را نداشته؛ این طولانی‌ترین دوره مسدودشدن کمک‌ها از آغاز نسل‌کشی تاکنون به‌شمار می‌رود که منجر به کمبود شدید غذا، آب سالم، سرپناه و تجهیزات پزشکی شده است. در غیاب این مایحتاج اساسی، سوءتغذیه، بیماری‌ها و سایر وضعیت‌های قابل پیشگیری به‌سرعت افزایش یافته و احتمال شهادت کودکان به‌دلیل شرایط قابل درمان بیشتر می‌شود. کودکانی که تحت درمان سوء تغذیه قرار دارند، در معرض خطر جدی هستند. از تاریخ ۱۸ مارس ۲۰۲۵، ۲۱ مرکز درمانی که معادل ۱۵ درصد کل مراکز درمانی سرپایی است، به‌دلیل دستورات تخلیه یا بمباران تعطیل شده‌اند. ۳۵۰ کودکی که به این مراکز وابسته بودند، اکنون با شدت یافتن سوءتغذیه مواجه‌اند؛ وضعیتی که می‌تواند جان آنها را تهدید کند. در مناطق مرکزی و جنوبی غزه، غذای مکمل برای نوزادان که در شرایط کمبود غذا برای رشد آنها حیاتی است، به‌طور کامل به پایان رسیده است. تنها به اندازه نیاز ۴۰۰ کودک، برای یک ماه، شیر خشک آماده مصرف باقی‌مانده است.

در حالی که یونیسف برآورد کرده که حدود ۱۰ هزار نوزاد زیر شش ماه به تغذیه مکمل نیاز دارند، در صورت نبود این شیر خشک، خانواده‌ها ممکن است به‌استفاده از جایگزین‌هایی روی آورند که با آب ناسالم ترکیب شده‌اند. کودکانی که در غزه از بمب‌های آمریکایی که به‌دست صهیونیست‌ها بر سر غزه می‌ریزد، جان سالم به در برده‌اند، شاهد جنایات متعددی بوده‌اند. همه آنها زندگی خود را در سایه محاصره ظالمانه رژیم صهیونیستی سپری کرده‌اند، محاصره‌ای که از لحظه تولد، بر همه جنبه‌های زندگی‌شان تأثیر گذاشته و اگر آینده‌ای داشته باشند، آینده آنها را هم تحت‌الشعاع قرار خواهد داد.

منابع را فراهم می‌کند. این تفاوت‌ها می‌تواند ناشی از برخورداری عوامل تولید (شامل دسترسی نسبی به سرمایه، نیروی کار و زمین)، تفاوت‌های فناوری (که نشان می‌دهد سیاست‌های تحقیق و توسعه نیز بر تجارت تأثیرگذارند) و سیاست نهادهای (مثلاً نظام حقوقی قوی‌تر، کشورها را برای تولید کالاهای «مبتنی بر قرارداد» مناسب‌تر می‌سازد) باشد. چینی‌ها با تولید کالاهای دارای مزیت نسبی طی سه دهه اخیر بازار جهانی را تسخیر کردند؛ حجم تجاری پکن در سال ۲۰۲۳ با آمریکا (۶۹۵٫۳ میلیارد دلار) و با اتحادیه اروپا (۸۲۷٫۱ میلیارد دلار) نشان‌دهنده موفقیت مدل اقتصادی چین در یک نظام بازار آزاد بدون مداخله است اما این شرایط با ظهور ترامپ و مخالفت او با نظام اقتصادی تجارت آزاد به دلیل کاهش قدرت نسبی واشنگتن نسبت به رقبای جهانی تغییر کرد.

### خطر تله توسیدید

دام توسیدید (Thucydides Trap) یک مفهوم در روابط بین‌الملل است که به تنش اجتناب‌ناپذیر بین یک قدرت مسلط (هژمون) و یک قدرت در حال ظهور اشاره دارد؛ این ایده توسط گراهام آلیسون، استاد دانشگاه هاروارد، براساس درس‌های جنگ پلوپونز (۴۰۴ تا ۴۰۱ قبل از میلاد) که توسیدید، تاریخ‌نگار یونانی تحلیل کرد؛ مطرح شده است.

طبق این مفهوم، تاریخ نشان داده که در ۷۵ درصد موارد، رویارویی چنین قدرتی به جنگ منجر شده (مانند رقابت آلمان و انگلستان پیش از جنگ جهانی اول)؛ قدرت مسلط از دست دادن موقعیت خود را نمی‌پذیرد و هر دو طرف ممکن است واکنش‌های طرف مقابل را اشتباه تفسیر کنند، همچنین بحران‌های کوچک (مثل جنگ تعرفه‌ای) می‌توانند به درگیری بزرگ تبدیل شوند. سونگ ون -تی، پژوهشگر وابسته به مرکز چین شورای اتلانتیک به اصحاب رسانه گفت که آمریکا و چین در یک «بازی مرگبار» گیر کرده‌اند. او ادامه داد: «مثل دو ماشین مسابقه که مستقیماً به سمت هم می‌روند، هرکس اول فرمان بچرخاند، اعتبار و سود خود را از دست می‌دهد.» منازعه‌های واشنگتن و پکن در حوزه اقتصاد سیاسی این خطر را دارد که دو طرف بدون آن‌که نیت درگیری تمام‌عیار با یکدیگر را داشته باشند، به رویارویی مستقیم وارد شوند. میحت تعرفه‌ها که مستقیماً با قدرت نسبی آمریکا و چین مرتبط است؛ ظرفیت ایجاد تقابل ناخواسته را افزایش خواهد داد. باید توجه کرد که ترامپ سیاست اقتصادی خود را به‌تنوری «مرد دیوانه» گره زده؛ بنابراین برقراری دیالوگ میان دو قدرت جهانی تحت تأثیر فشار و اجبار در دستور کار قرار گرفته است.